فهرست مطالب:

[خطبه اول 2](#_Toc429919898)

[خلاصه‌ای از خطبه اول نهج‌البلاغه 2](#_Toc429919899)

[مطرح کردن توحید توسط ائمه اطهار در هر شرایطی توحید 2](#_Toc429919900)

[توحید در پنج جمله 2](#_Toc429919901)

[جمع‌بندی 3](#_Toc429919902)

[تفاوت دید انسان باایمان و انسان کافر 4](#_Toc429919903)

[خداوند کمال مطلق و بی‌حد 4](#_Toc429919904)

[منزلت ائمه اطهار (علیهم‌السلام) 4](#_Toc429919905)

[نامحدود بودن خداوند 5](#_Toc429919906)

[خطبه دوم 5](#_Toc429919907)

[دنیا وسیله امتحان ماست 5](#_Toc429919908)

[ضعف دولت در حمایت از تولیدات و خدمات مردم 6](#_Toc429919909)

[ایجاد روحیه کار و خیر رساندن به جامعه 6](#_Toc429919910)

[سود بیشتر 6](#_Toc429919911)

[پاک بودن ضمیر و فطرت جوانان 6](#_Toc429919912)

[توجه به مشکلات اقتصادی و فرهنگی جوانان 7](#_Toc429919913)

[سنجیدن خانواده‌ها در رسیدگی به جوانان 7](#_Toc429919914)

[حفظ حریم‌ها توسط جوانان 7](#_Toc429919915)

[انتخاب آینده توسط خودمان 7](#_Toc429919916)

# خطبه اول

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه»[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم** «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»[[2]](#footnote-2)**عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# خلاصه‌ای از خطبه اول نهج‌البلاغه

**امام علی (**ع) **خطبه اول نهج‌البلاغه را با حمد و ثنای خداوند آغاز نمودند و از کوتاهی فکر و زبان ما در ادای حق خداوند و سپس به مسئله معرفت خداوند و توحید پرداختند. هیچ مسئله‌ای در اسلام به‌اندازه توحید اعتبار ندارد. بخش مهمی از این خطبه نیز به مسئله توحید اختصاص‌یافته است. مضامینی که در این خطبه درباره توحید ذکرشده است، در مورد ائمه اطهار (علیهم‌السلام) به‌خصوص از امام رضا** (ع) به**‌کرات ذکرشده است.**

# مطرح کردن توحید توسط ائمه اطهار در هر شرایطی توحید

**در خطبه دیگری در توحید صدوق از نقل‌شده است: بعدازاین که امیرالمؤمنین (**ع) **از جنگ نهروان بازگشتند، روزی مردم را جمع کردند و خطبه‌ای برای بسیج مردم به سمت جنگ با معاویه ایراد کردند. شخص راوی می‌گوید: بعد از خطبه امام علی (**ع)**، به شخصی که از افراد برجسته بود گفتم: حضرت (**ع) **خطبه زیبایی درباره توحید ایراد کردند، کاش آن را یادداشت کرده بودیم. آن شخص گفت من تمام سخنرانی را یادداشت کرده‌ام. این داستان نشان می‌دهد که امام علی** (ع) حتی **در سخت‌ترین شرایط جنگی و در موقعیت بحرانی که مردم را برای جبهه و جنگ گسیل بدارد، زیباترین خطبه‌ها را درباره توحید می‌خوانند. ائمه اطهار (علیهم‌السلام) از پیامبر اکرم این درس را گرفته بودند که در هر جا و در هر مناسبتی بحث خدا و توحید را در میان مردم مطرح کنند. ستون فقرات ایمان و سعادت ما در معرفت الله است.**

# توحید در پنج جمله

**شرح‌های مختلفی از نهج‌البلاغه موجود است که ما شرح ابن ابی الحدید را ملاک قرار می‌دهیم و باکمی تغییر بیان می‌کنیم.**

«أَوَّلُ الدِّینِ مَعْرِفَتُهُ وَ کمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصْدِیقُ بِهِ وَ کمَالُ التَّصْدِیقِ بِهِ تَوْحِیدُهُ وَ کمَالُ تَوْحِیدِهِ الْإِخْلَاصُ لَهُ وَ کمَالُ الْإِخْلَاصِ لَهُ نَفْی الصِّفَاتِ عَنْه»[[3]](#footnote-3) این پنج جمله عالی‌ترین و زیباترین جملاتی است که در شناخت خدا از ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و به‌خصوص از امام رضا نقل‌شده است.

**«أَوَّلُ الدِّینِ مَعْرِفَتُهُ» معرفت** به این‌که عالم خدایی دارد، یک معرفت اجمالی است.

**«وَ کمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصْدِیقُ» معرفت** به این‌که خدا موجودی متفاوت از موجودات مادی است. تصدیق به وجوب وجود خدا و ذات بی‌پایان خدا با موجودات محدود. مرحله دوم را ایمان نیز می‌گوییم.

**«وَ کمَالُ التَّصْدِیقِ بِهِ تَوْحِیدُهُ»** علاوه بر معرفت خدا و تفاوت به وجود خدا با موجودات عالم، باید معتقد به یگانگی خدا باشیم، اینکه خداوند عالمیان شریکی ندارد.

**«وَ کمَالُ تَوْحِیدِهِ الْإِخْلَاصُ لَهُ»** کمال توحید، اخلاص در توحید است. انسان باید معتقد باشد که خداوند مرکب از مواد نیست و او جسم نیست. ما می‌گوییم خداوند شریک ندارد، چراکه اگر شریک داشته باشد او دیگر خدا نیست.

**«وَ کمَالُ الْإِخْلَاصِ لَهُ نَفْی الصِّفَاتِ عَنْه»** ما باید معتقد باشیم که خداوند اوصاف زائد بر ذات ندارد. خداوند همچون انسان نیست که علم یا قدرتی بر او عارض شود.

# جمع‌بندی

باطن کسانی که دست غیبی و ماورائی برای این عالم نمی‌بینند، کور است**. «عَمِیتْ عَینٌ لَا تَزَالُ [تَرَاک] عَلَیهَا رَقِیباً»[[4]](#footnote-4)** چشمی که خداوند را نمی‌بیند کور است. خداوند واجب‌الوجود‌است و بر ذات خوداتکا دارد، او آفریده و مخلوق دیگری نیست، سلسله موجودات عالم به او می‌رسد و او کمال محض است. خداوند یگانه و یکتاست و از اوصاف جسم بودن منزه است. جسمیت نشانه نقص موجودات است، او بسیط مطلق است و ترکیبی در او وجود ندارد. ایمان و اعتقاد ما به خداوند بر این پنج‌پایه استوار است که باید سعی کرد تا در این معرفت عمیق شد تا دید انسان به زندگی تغییر کند.

# تفاوت دید انسان باایمان و انسان کافر

دید انسانی که خداوند قادر و یکتایی را بر عالم حاکم می‌بیند بادید کسی که عالم را فانی و برحسب یک اتفاق می‌بیند، بسیار تفاوت دارد. این تفاوت دید است که مرز ما را از یکدیگر جدا می‌کند. این همان معرفتی است که انبیاء الهی و پیامبر اکرم (ص) ما را به آن سفارش کردند.

در ادامه این خطبه امیرالمؤمنین به مطالبی اشاره می‌کنند که خلاصه بیان می‌شود:

# خداوند کمال مطلق و بی‌حد

رمز این‌که ما می‌گوییم خداوند غنای مطلق است و از هر ترکیبی پاک است و از هر عیب و نقصی مبرا است، کمال مطلق و بی‌حد بودن خداوند است. از بی‌نهایت بودن خداوند، تمام صفات او بیرون می‌ریزد. ادله توحید این را به ما بیان می‌دارد که این عالمی که در حال تغییر است به ذاتی می‌رسد که فراتر از هر تغییر و تحولی است. خداوند باید نامحدود باشد. اساس توحید ناب که کلام امام علی (ع) توجیه شده است و درگذشت زمان فلاسفه بر روی همین نکته توجه شده است که خداوند بی‌نهایت است. هر چیزی که ما در عالم می‌بینیم محدود است. شاید افکار کودکانه‌ای خورشید و اقیانوس‌ها را بی‌نهایت بداند اما این کودک اگر بزرگ شود و افق دیدش گسترش یابد می‌فهمد که اقیانوس و خورشید نیز محدود است و در کهکشان‌ها نقاطی است که نور خورشید به آن‌ها نمی‌رسد. در هر جای این عالم که سیر کنیم، موجوداتی که می‌یابیم که همگی محدود و ناقص‌اند، پس هر چیزی که محدود باشد خدا نیست و گستره تجسم ما در حد موجودات محدود است، به همین دلیل ما نمی‌توانیم خداوند را تصویر کنیم اما ضمیر ما به خداوندی که بر این عالم حاکم است، اعتقاد دارد.

# منزلت ائمه اطهار (علیهم‌السلام)

ارزش و منزلت والای ائمه طاهرین برای ما یک ارزش و منزلت قراردادی نیست، بلکه در این است که این معارف را برای ما به ارمغان آورده‌اند و با هدایت و افکار خود ما را به قله‌های بلند معرفت می‌رسانند. این‌که ما بفهمیم که خداوند از هر آنچه در این عالم است، فراتر است و او تنها وجود نامحدود است، قدم بزرگی را در توحید برداشته‌ایم.

# نامحدود بودن خداوند

**«لِشَهَادَةِ کلِّ صِفَةٍ أَنَّهَا غَیرُ الْمَوْصُوفِ وَ شَهَادَةِ کلِ مَوْصُوفٍ أَنَّهُ غَیرُ الصِّفَة»[[5]](#footnote-5)** چیزی که خداوند را محدود می‌کند باید از او دور کرد. نباید فکر کرد که خداوند موجودیتی دارد و علم و قدرتی بر او اضافه می‌شود، چراکه این‌ها نشانه‌های محدودیت است. کسی که خدا را به اوصاف انسانی محدود کند در وجود خدا ترکیب قائل شده است. این‌که خداوند را در گوشه‌ای از عالم بدانیم یعنی برای او محدودیت قائل شده‌ایم. این‌ها نشانه‌های ضعف ایمان ماست که باید برای اصلاح خود تلاش کنیم، که در این صورت در زندگی اجتماعی نیز ترقی‌خواهیم کرد چراکه خداوند را در همه حال ناظر بر اعمال خود می‌بینیم.

**«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (1) اللَّهُ الصَّمَدُ (2) لَمْ یلِدْ وَلَمْ یولَدْ (3) وَلَمْ یکنْ لَهُ کفُوًا أَحَدٌ (4)»[[6]](#footnote-6)**

# خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «**یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»[[7]](#footnote-7)**عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# دنیا وسیله امتحان ماست

**ما نباید غافل باشیم از اینکه این عالم زوال‌پذیر است و تنها برای آزمودن ما آفریده‌شده است. ما باید بدانیم که نعمت‌های این دنیا، ودیعه الهی است و روزی از ما گرفته خواهد شد. قدرتمندان و عالمان و متنعمان عالم را در نظر بگیریم که در قدرت و علم و نعمت از ما برتر بودند اما خداوند در هنگام مرگ از آن‌ها قدرت و علمشان را گرفت و آنان در محضر خدا پاسخ‌گو هستند.**

# ضعف دولت در حمایت از تولیدات و خدمات مردم

**ما باید تلاش کنیم که روحیه کار در صنعت و کشاورزی را در مردم ایجاد کنیم و دولت و دستگاه حکومت نیز از آنان حمایت کنند تا تولید و خدمات صحیح داشته باشیم. نظام حمایتی ما به‌گونه‌ای نیست که زمینه را برای سرمایه‌گذاری در صنعت و کشاورزی فراهم کند. صنعت و کشاورزی را ازاین‌جهت مثال می‌زنیم که با سرمایه‌گذاری اندک نیز قابل‌راه‌اندازی است. روحیه تعاون و سرمایه‌گذاری ما در کارهای مفید و حمایت دولت از آن ضعیف است.**

# ایجاد روحیه کار و خیر رساندن به جامعه

**سیستم مدیریت و فرهنگ عمومی کشور ما باید به‌گونه‌ای باشد که هر شخصی در هر جایگاهی باید تلاش کند تا کار مفیدی را به جامعه تحویل دهد. افراد باید به دنبال نوآوری و ایجاد طرح‌های جدید باشند و حاضر به کار و فعالیت شوند. جامعه ما وقتی به سمت علم و تحصیل پیشرفت از کار بازماند. توقعات افراد بالا رفته و به دنبال امور نامناسب پیش می‌روند. کار نباید برای کسی عار باشد و به دلیل داشتن سواد و تحصیلات، حاضر به کار مفید و شرعی و حلال نباشد. روحیه کار و همکاری انسان را از کارهای کوچک به‌جاهای بزرگ می‌رساند، چیزی که در کشور ما کمیاب است و همه می‌خواهیم که سود خود را بیشتر کنیم.**

# سود بیشتر

**گاهاً افرادی با سرمایه‌های بزرگ هستند که سرمایه خود را در خریدوفروش‌های بی‌فایده و معمولاً اموری که سود حلالی هم ندارند، مصرف می‌کنند. بعضی از جوانان ما نیز به‌جای کار و خیر رساندن به جامعه اوقات خود را به بطالت می‌گذرانند و گاهی نیز با وارد شدن به امور خلافی مثل مواد مخدر و ربا، زندگی خود و جامعه را به تباهی می‌کشاند. مردم جامعه به فکر حل کردن مشکلی از جامعه نیستند و در این راه سرمایه‌های خود را به مصرف نمی‌رسانند و در عوض در اموری که سود بیشتری داشته باشد وارد می‌شوند. دنیای امروز دنیای تعاون و کنار هم قرار گرفتن است. صنایع‌دستی و ماشینی ما دچار مشکل است و دولت نیز از کسانی که در این زمینه حاضر به سرمایه‌گذاری هستند حمایت لازم را نمی‌کنند.**

# پاک بودن ضمیر و فطرت جوانان

**جوانان سرمایه‌های کشور ما هستند و ما در به ثمر نشاندن آن‌ها کوتاهی می‌کنیم. جوانان بیش از هر چیزی نیاز به این دارند که نسل قدیم نیازهای آنان را درک کنند، اقتضاهای فکری و فرهنگی آن‌ها شناخته شود. سؤالاتی که در ذهن جوانان پدی می‌آید باید پاسخ داده شود و این مسئولیتی است که بیش از همه بر دوش روحانیت است. نسل جدید نسلی است که انقلاب، قبل از انقلاب، عرصه‌های سازنده جنگ و جهاد را درک نکرده است، اما درعین‌حال ضمیر و فطرت پاک دارد. ما نباید از جوانان توقع فوق طاقت را از آنان داشته باشیم. این مسئولیت را باید متوجه خود نیز بکنیم. ما می‌بینیم که جوانان ما به اعتیاد و امور خلاف روی می‌آورند اما این آیینه تمام نمای روح و فرهنگ جوان نیست، جوان ما قابلیت‌های مهمی دارد که لازمه شکوفا شدن آن‌ها عملکرد درست ما است.. گاهی جوانی که ظاهر مناسبی هم ندارد اما اگر درک شود و گره شبهات او باز شود دیده می‌شود که فطرت او پاک است. برخورد صحیح و امربه‌معروف و نهی از منکر درجای خود محفوظ است اما مسئولیت دیگر ما این است که به قلب و فطرت جوان توجه شود.**

# توجه به مشکلات اقتصادی و فرهنگی جوانان

**مشکلات و توطئه‌هایی که در کشور وجود دارد و مسائل فکری و فرهنگی به‌وفور در دنیا زیاد شده است و اولین کسانی که در معرض آن قرار می‌گیرند جوانان هستند، اما هیچ‌کدام از این امور مسئولیت خانواده‌ها و مسئولین و نهادهای آموزشی را کم نمی‌کند. جوانان مشکلات اقتصادی و ازدواج نیز دارند که باید به هر دو بعد رسیدگی شود. بعد اقتصادی و بعد فرهنگی او در کنار هم باید موردتوجه قرار گیرد. کشور ما در حدود سی میلیون جوان دارد که نیروی عظیمی برای کشور است که اگر در مسیر علم و دانش و کار قرار بگیرند می‌خوانند دنیایی را آباد کنند.**

# سنجیدن خانواده‌ها در رسیدگی به جوانان

**در اوقات تابستان باید خود را بسنجیم که چقدر به اوقات فراغت جوان و نوجوان و معاشرت‌های اخلاقی آنان توجه می‌کنیم. این‌که فرزندان اوقات خود را چطور می‌گذرانند به درون خانه‌های ما بازمی‌گردد. نوجوانی که به مردم ضرر می‌زند، قانون و ارزش‌ها را رعایت نمی‌کند و در مسیر انحراف قرار می‌گیرد، نمی‌توان همه را از او دید، بلکه درصد بالایی از آن تقصیر خانواده‌ها است. برای مثال اگر محیط دانشگاه را در نظر بگیریم می‌بینیم که گاهی دچار مشکلاتی می‌شود، اما ما دانشگاه را فرهنگ‌ساز کنیم تا دانشجو در دانشگاه اصلاح شود.**

# حفظ حریم‌ها توسط جوانان

**مرزها و حریم‌ها باید حفظ شود، عفت و پاک‌دامنی باید در جامعه محفوظ بماند، که در غیر این صورت تمامی خانواده‌ها در معرض خطر هستند. ما در دنیایی هستیم که به تمام دنیا متصل است و بخش عظیمی از آن بر فساد تنظیم‌شده است.**

# انتخاب آینده توسط خودمان

**این ما هستیم که انتخاب می‌کنیم. اگر قوی نباشیم انحرافات به سمت ما می‌آید و از علم و دانش دنیا بی‌بهره خواهیم ماند. اگر خانواده‌ها و جوانان و مسئولین هوشیار نباشند ممکن است به نقطه‌ای برسیم که غرق در انحرافات و خرابی‌های دنیای غرب شویم. ما باید بکوشیم در شعاع انقلاب شکوهمند کشورمان و ارزش‌های دین، خود را مجهز کنیم و با درایت و تدبیر میدان‌دار معرکه شویم، و نیازی به تحمیل نباشد. علم و معرفت باید از درون بجوشد و رشد کند.**

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الأعزّ الأجلّ الاکرم یا الله ... یا ارحم الرحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر واهله.**

1. **. سوره اعراف، آیه 43** [↑](#footnote-ref-1)
2. **. سوره آل‌عمران، آیه 102** [↑](#footnote-ref-2)
3. . نهج البلاغة (للصبحی صالح)، ص 39 [↑](#footnote-ref-3)
4. . اقبال الأعمال (ط – القدیمة)، ج 1، ص 349 [↑](#footnote-ref-4)
5. . اقبال الأعمال (ط – القدیمة)، ج 1، ص 349 [↑](#footnote-ref-5)
6. . توحید، آیات 1 تا 4 [↑](#footnote-ref-6)
7. . سوره حشر، آیه 18 [↑](#footnote-ref-7)